

# الزامات ابزاری سیاسی تحقق تمدن نوین اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری

حمید حبیبی \*

محمد نوید نریمانی \*\*

## چکیده:

جمهوری اسلامی ایران با به‌کارگیری نظریه مقاومت در عرصه‌های گوناگون علمی، فناوری، نظامی، صنعتی و ... در راستای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، اسطوره شکست‌ناپذیری نظام سلطه را به چالش کشیده است. هرچند با توجه به ظرف زمانی چهل‌ساله مقایسه مسیر طی شده جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی با ظرف زمانی نزدیک به دو‌یست‌ساله تمدن غربی قیاسی ناعادلانه به نظر می‌رسد؛ اما سؤالی پیشروی محقق می‌گذارد مبنی بر اینکه الزامات سیاسی شکل‌گیری تحقق تمدن نوین اسلامی بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری به‌عنوان مبدع این نظریه چیست؟ بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی دیدگاه معظم‌له در این زمینه با روش توصیفی تحلیلی است. الزامات سیاسی تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب به دو بخش الزامات سیاسی ابزاری و حقیقی تقسیم‌بندی می‌شود که الزامات ابزاری سیاسی: ساخت قدرت، پیوند دین و سیاست، تفکیک و توازن بخشی به مسئولیت‌ها، مردم‌سالاری دینی و مشارکت سیاسی و ... از جمله یافته‌های پژوهش حاضر است.

**کلیدواژه‌ها:** الزامات سیاسی، تمدن، تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی، مقام معظم رهبری.

---

\* استادیار گروه علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (hhabibi.41@gmail.com)

\*\* کارشناسی ارشد علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (rashedimn69@gmail.com)

## بیان مسئله:

مقام معظم رهبری از موضع اسلام‌شناس بزرگ قرن حاضر با استفاده از تعالیم روح‌بخش الهی نظریه تمدن نوین اسلامی را به‌عنوان مقصد نهایی انقلاب اسلامی مطرح نموده و در صدد به چالش کشیدن تمدن‌های مادی غربی هستند و از آنچه که می‌توان به‌عنوان تفاوت ماهوی این دو تمدن نام برد خاستگاه و زمینه پیدایش آنهاست بدین معنا که خاستگاه تمدن غربی تماماً برگرفته از اندیشه اومانیستی ایدئولوژی لیبرالیسم بوده؛ اما مبنای نظریه تمدن نوین اسلامی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است.

براین‌اساس یکی از ابعاد مهم انقلاب اسلامی، رسالت تمدن‌سازی آن است که راهبردی برای برون‌رفت از عالم غربی و عقب‌ماندگی دوره معاصر و همچنین پرکردن خلأ ناشی از عقب‌ماندگی و انحطاط و غرب‌زدگی است. بحث از تمدن اسلامی در دهه چهارم انقلاب اسلامی یکی از دغدغه‌های اصلی و سیاست‌های فکری است که مقام معظم رهبری تأکیدات زیادی بر این مقوله داشته و دارد و همواره ابعاد و شاخصه‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی را ترسیم کرده‌اند.

لذا از منظر حضرت امام خامنه‌ای به‌مثابه یک متفکر و اندیشمند اسلامی، هدف نهایی انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن نوین اسلامی در زنجیره‌ای مستمر و مستقل است که بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم (از جمله علم سیاست) و اخلاق بنا شده و برای تحقق آن بایستی پنج مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی در مسیر تمدن‌سازی پشت سر گذاشته شوند (جهان‌بین و معینی پور، ۱۳۹۳: ۲۹-۴۶) که تاکنون بر اساس این مراحل، دو مرحله پشت سر گذاشته شده و انقلاب اسلامی در مرحله سوم رسیدن به تمدن نوین اسلامی یعنی دولت اسلامی دچار چالش‌هایی گردیده است که از جمله این چالش‌ها شناسایی و کشف الزامات سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری است؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر این است: الزامات سیاسی تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست و دارای چه ابعادی است؟

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی انجام می‌شود و در آن بیانات مقام معظم رهبری منبع اصلی استناد و تحلیل است. در تلاش برای استنباط ابعاد و شاخصه‌های الزامات سیاسی تحقق تمدن نوین اسلامی از روش عملیاتی کردن مفاهیم استفاده شده است که بر اساس آن ابتدا

نظریه تمدن نوین اسلامی و ابعاد آن تجزیه شده و سپس ضابطه‌ها و شاخصه‌های آن در دیدگاه‌ها و اندیشه‌های مقام معظم رهبری استنباط و استخراج گردیده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد آثاری در قالب کتاب و مقاله مرتبط با موضوع منتشر شده است:

«فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» (جهان‌بین، معینی پور، ۱۳۹۳: ۴۶-۲۹) چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق به‌عنوان زیر بنای انقلاب اسلامی، پنج مرحله تحقق تمدن اسلامی را بررسی کرده و سپس چهار گام اساسی برای طی این مسیر را تحلیل می‌نمایند.

کتاب «اصول و پایه‌های تمدن اسلامی» (مدرسی، ۱۳۷۹) به نشانه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی، ارزش‌ها و ملاک‌های تمدن، بعد الهی، ولایت خدا و مواجهه با ستیزه‌جویی‌ها پرداخته و در مورد مقوله تمدن اسلامی به طور مفصل بحث کرده است. مجموعه مقالات «آفاق تمدنی انقلاب اسلامی» (درخشه، ۱۳۹۰) در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی است و در سه بخش به ترتیب به اصول و مبانی، عوامل و ابعاد و آسیب‌شناسی پرداخته است. در کتاب «ویژگی تمدن نوین اسلام» این‌گونه آمده که بیان مؤلفه‌های فرهنگی برای تحقق تمدن نوین اسلامی یک نکته اساسی است. نویسندگان خدامحوری و وحی را اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مؤلفه‌های تحقق تمدن اسلامی می‌دانند و ظرفیت‌های بارز تمدن نوین اسلامی را خدانشناسی، جاودانگی تمدن و فرهنگ اسلامی و جامع‌الاشراف بودن، قانون محور بودن، سازندگی و تحرک و همچنین تحرک و یکپارچگی آن می‌دانند (برزگر، ۱۳۹۰).

کتاب «احیای تمدن ایران اسلامی» (سنایی، ۱۳۸۶) تلاشی است برای پاسخ به این سؤال که مؤلفه‌ها و شاخصه‌های فرهنگی تحقق تمدن اسلامی کدام‌اند؟

هرچند نویسندگان به برخی از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های فرهنگی تحقق تمدن اسلامی اشاره کرده ولی همچنان مؤلفه‌ها و شاخصه‌های بیشتری را می‌توان در ابعاد سیاسی و فرهنگی تمدن ایران اسلامی برشمرد.

دغدغه پژوهش حاضر؛ بیان الزامات سیاسی تحقق تمدن نوین اسلامی از نگاه امام امت در راستای ارائه الگوی برتر به مسلمانان و حتی به جهانیان است.

**تعریف مفاهیم:**

در این پژوهش، مفاهیم متعددی به کار می‌رود که در جای خود تعریف می‌شوند. در اینجا مفاهیمی که در عنوان تحقیق آمده، به لحاظ لغوی و اصطلاحی تعریف می‌شوند تا تعریف صائب از نظر پژوهشگر مشخص شود.

**الزامات:** الزامات در لغت جمع الزام و الزام (به کسر همزه) به معنای واجب کردن، واجب ساختن کاری بر کسی، لازم گرداندن، به عهده قراردادن است (عمید، ۱۷۶)؛ بنابراین در نظر محقق، الزامات تمدنی عبارت است از آنچه برای تحقق تمدن از قبیل عناصر و شرایط و ... لازم و ضروری است. به تعبیر دیگر عنصر یا متغیر واجب‌الوجود برای تحقق تمدن نوین اسلامی اطلاق می‌شود (تلاشان، ۱۳۹۹: ۱۱).

**سیاست:** سیاست یکی از مبهم‌ترین و پیچیده‌ترین واژگان فرهنگ علوم سیاسی است که از قدیم تاکنون از سوی اندیشمندان و تحلیل‌گران برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه شده است. تعبیری مانند فن نگهداشتن و حفاظت از ملک، فرمان راندن بر رعیت، ریاست، حکمرانی، داوری، تدبیر، راهنمایی و اداره کردن جوامع از جمله معانی است که درباره سیاست در اذهان متبادر می‌شود دیویدایستون آن را توزیع اقتدارآمیز ارزش‌ها و هنجارها می‌داند (عالم، ۱۳۷۵: ۴۵). نهایتاً باید گفت که در اغلب تحلیل‌های صورت‌گرفته درباره این واژه بر عنصر و مفهوم کلیدی آن یعنی قدرت محوری تأکید اساسی شده است. در جهان‌بینی اسلامی، سیاست نه به‌عنوان علم زور و قدرت سنجی، بلکه به‌سان علم هدایت و تدبیر جامعه برای رساندن افراد به سعادت، تکامل و ترقی دنیوی و اخروی، شکوفایی استعدادهای ذاتی فارغ از توجه به عناصر تبعیض‌آمیز مطرح است (افتخاری، ۱۳۹۲: ۲۶). در مجموع سیاست در معنای عام هرگونه راهبرد و روش و منش برای اداره یا بهتر کردن هر امری از امور، (چه شخصی چه اجتماعی) است؛ و در اصطلاح اموری است که مربوط به دولت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد.

**تمدن:** در لغت شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و به اخلاق مردم شهر آشنا شدن، زندگانی اجتماعی، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و

آسایش خود است (عمید، پیشین: ۴۲۰). تمدن از واژه مَدَن و مدینه گرفته شده است (معین، ۱۳۵۷: ۱۱۳۹). تمدن به معنای شهرنشینی و به گونه دقیق‌تر، خوی پذیری شهری است. ریز کاری‌های هنری، خوگیری، شناخت و آگاهی، جایگزین خشونت، ناآگاهی و تجاوزگری و مرز ناشناسی می‌شود (دهخدا، ۱۳۴۱: ۶۹۷۲). تمدن در زبان انگلیسی «civilization» و در عربی حصاره خوانده می‌شود و در لغت به معنای شهرنشینی و از ریشه مدینه و مدنیت گرفته شده و به معنی دیگر متخلق شدن و در سایه آن به تشکیل جوامعی پرداخته و شهرنشین شده است. در زبان‌های بیگانه نیز کلمه تمدن civilization از کلمه civita که در مقابل وحشی‌گری قرار گرفته و از کلمه civilis که معنی شهرنشینی دارد گرفته شده است (حجازی، بی‌تا، ج ۲: ۲۰-۱۹).

در اصطلاح «تمدن عبارت است از تشکل انسان‌ها با روابط عالی و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی آن، در همه ابعاد ممکن» (امید، ۱۳۸۴: ۹۰). برای واژه تمدن، معانی و تعاریف گوناگونی وجود دارد، برای مثال باستان‌شناسان تمدن را به وجود آثار هنری و باستانی گفته‌اند، مورخین میراث گذشته یک جامعه را که به نسل آینده منتقل می‌شود تمدن به حساب آورده‌اند. سیاسیون آن را به برقراری روابط خارجی و حسن جریان امور داخلی کشور تعبیر نموده‌اند (محمدی، ج ۱: ۴۷) و هر یک از دریچه و روزنه‌ای خاص بدان پرداخته‌اند که هیچ یک مفهوم کاملی را ارائه نمی‌کند.

به عقیده جامعه‌شناسان تمدن حالتی مترقی است که ملت‌ها در پرتو آن تحت تأثیر دانش‌های جدید قرار می‌گیرند و به نهایت ترقی و علوم و فنون دست می‌یابند (حجازی، بی‌تا: ۲۱). ویل دورانت در تعریف تمدن می‌نویسد: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند» (دورانت، ۱۳۶۱: ج ۵).

در تعریفی دیگر می‌توان تمدن را «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین، یا حالات پیشرفته و سازمان‌یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن، پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است» دانست (انوری، ۱۳۸۳: ۳۳۷). از نظر ساموئل هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷).

## تعریف تمدن اسلامی و محدوده تاریخی و جغرافیایی آن

تمدن اسلامی یا آنچه بعضی به اشتباه تمدن عرب می‌نامند، نامی است که به تمدن شرق هم‌زمان با قرون وسطی اطلاق می‌شود. تمدن اسلامی تمدن یک ملت یا نژاد خاص نیست بلکه مقصود، تمدن ملت‌های اسلامی است که عرب‌ها، ایرانیان، ترک‌ها و دیگران را شامل می‌شود (مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۳۷۳: ۱۹۱). که به وسیله دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شدند (بار تولد، ۱۳۳۷: ۷). این تمدن با هنر ایرانی و رومی و سایر جوامع ترکیب گردید و تمدنی به نام تمدن اسلامی به وجود آورد (تاجبخش، ۱۳۸۱: ۹۹). این تمدن به درجه‌ای از عظمت و کمال و پهناوری است که آگاهی از همه جنبه‌های آن و احاطه بر همه انحای آن کاری بس دشوار است. با پیدایش اسلام و انتشار سریع و گسترده آن در میان اقوام و ملل و جلب و جذب فرهنگ‌های گوناگون بشری بنای مستحکم و عظیمی از فرهنگ و تمدن انسان پایه‌گذاری شد که در ایجاد آن ملل و نژادهای مختلفی سهیم بودند. این ملل با ارزش‌ها و ملاک‌های نوین اسلامی موفق به ایجاد تمدنی شدند که بدان تمدن اسلامی گفته می‌شود.

تمدن اسلامی را از لحاظ تاریخی می‌توان به دو دوره تقسیم نمود؛ دوره اول از دعوت اسلامی و پیدایش اسلام آغاز و در قرن هفتم میلادی تا سقوط بغداد به دست هلاکو ادامه یافت (قربانی، بی‌تا، ج ۶). دوره دوم با پذیرش اسلام توسط مغولان و ایجاد حکومت‌هایی مانند صفوی و عثمانی تا اواسط قرن ۱۸ میلادی به طول انجامید. هر یک از این دوره‌ها دارای ویژگی‌های خاصی هستند که آنها را از هم متمایز می‌نماید.

مطالعه در اطلس تاریخ اسلامی و چگونگی انتشار اسلام در جهان نشان می‌دهد که اسلام در طول چند قرن بر بیشتر سرزمین‌های آباد آن روز جهان مسلط شد و قسمت اعظم آسیا، آفریقا و قسمتی از اروپا را تحت سلطه و اقتدار خود درآورد (قربانی، ۱۳۷۴: ۱۸).

آندره میکال در مورد محدوده جغرافیایی تمدن اسلامی می‌نویسد:

یک جغرافیادان عرب در قرون وسطی، روزی تصمیم می‌گیرد که تعریف مناسبی از سرزمین‌های اسلامی در اطراف دو بیابان ارائه دهد. از این‌رو سرزمین‌ها را به دو منطقه ایالات عربی شامل عربستان و سوریه و ایالات غیرعربی شامل ایران آن روز تقسیم

می‌کند. این تعریف، علی‌رغم نارسایی‌های آن یکی از تقسیم‌بندی‌های اساسی سرزمین‌های اسلامی است (میکل، ۱۳۸۱: ۲۰-۲۱).

در مرکز از عراق، ایران، افغانستان و در شرق تا چین و هند امتداد داشت. از جانب شمال شرقی تا سمرقند و بخارا و خوارزم تا کوه‌های یکی از فرغانه را شامل می‌شد (قربانی، ۱۳۷۴: ۱۷). این مناطق با فرهنگ و دین مشترکی به هم وصل شده بودند و ساکنان آن خود را عضو تمدن واحد و وسیعی می‌دانستند که مرکز روحانی و مذهبی آن مکه و مرکز فرهنگی و سیاسی اش بغداد بود (همان: ۱۶). این تمدن بیش از همه تمدن‌ها به علم و دانش اهمیت داده و کهن‌ترین دانشگاه‌های جهان را پدید آورده است و با تلفیق علوم گوناگون و افزودن بر آنها میراث عظیم و تکامل یافته‌ای را تحویل بشریت داد. با این اوصاف می‌توان گفت منظور از تمدن اسلامی مجموعه افکار، عقاید، علوم، هنرها و صنایع است که با الهام از آموزه‌های دینی توسط مسلمین پدید آمده است.

### تمدن نوین اسلامی

این اصطلاح در کلام و اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ظهور و بروز یافته است. از دیدگاه ایشان، تمدن نوین اسلامی پیشرفت همه‌جانبه‌ای است که ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها، بعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۳/۰۷/۱۳۹۱؛ ۲۱۲۵۲؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>).

تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۹۲/۶/۱۴؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23810>).

در عبارت «تمدن نوین اسلامی»، صفت «نوین» به «تمدن» اضافه گردیده و با اصطلاح «اسلامی» شرح داده شده است؛ از این رو لازم است که مقصود از تمدن نوین اسلامی نیز تبیین

گردد. در اینجا منظور از این مفهوم، گونه‌ای از تمدن اسلامی است که بنیاد، شکل‌گیری و بالندگی آن، رخدادی تازه و نو است و مسبوق به سابقه تحقق عینی نمی‌باشد.

در واکاوی معنای تمدن نوین اسلامی، میان واقعیت‌ها و گزارش‌های تاریخی از «تمدن اسلامی» با «تمدن نوین اسلامی» مبتنی بر سیره پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام تفاوت ماهوی و مبنایی وجود دارد؛ در تعریف‌های پیش‌گفته شده از تمدن اسلامی، غالب صاحب‌نظران واقعیت‌های تاریخی را مستند قرار داده‌اند، نه حقیقتی که پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام بر تحقق و استمرار و بقای آن اهتمام و تأکید داشتند. از این رو لازم است در تعریفی که از «تمدن نوین اسلامی» ارائه می‌کنیم، بر قرآن و سیره و سنت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام تأکید داشته باشیم.

آنچه این تمدن را از تمدن غرب متمایز می‌کند، مبانی هستی‌شناسی، جهان‌بینی و انسان‌شناسی است که در سبک زندگی، شیوه استفاده از منابع و ظرفیت‌های خدادادی و ارزش‌گذاری بر بعد حیوانی انسان نمود و تجلی پیدا می‌کند. تمدن قدیم اسلامی، اگرچه به نام اسلام منتسب است، اما تمدنی است که از سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام فاصله دارد و اسلام واقعی است نه حقیقی. برای مثال، در این تمدن، شخصیت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام با تحریفات گسترده‌ای به انسان‌های همسو با کفر و نفاق (اسطوره‌گرانیق و ...) معرفی می‌شود. این سلاطین، جامعه را از دست‌یافتن به تمدن نوین اسلامی محروم کرده و بر احیای تمدن اسلامی عباسیان به شکل همه‌جانبه‌ای (اعتقادی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی) اصرار می‌ورزند.

در تعریف تمدن نوین اسلامی می‌توان چنین گفت:

جامعه‌ای که شاخص اصلی آن بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است؛ در این تمدن، انسان‌ها بر اساس الگوی کاربردی دوران برخی از پیامبران و رسول‌الله و اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه دوره امیرمؤمنان علی علیه‌السلام توانسته‌اند بستر و امکانات آرامش (سکون قرآنی) و رشد و تعالی فرد فرد انسان‌ها را فراهم نمایند (جمشیدی راد و ادیب، ۱۳۹۸).

## الزامات سیاسی

الزام سیاسی را بایستی به مثابه مجموعه مطالبات و ممنوعیت‌هایی تعریف کرد که حکومت بر شهروندان جامعه، از طریق فرامین اعمال نموده و شهروندان متعهد به اجرای آنها هستند. این مطالبات و ممنوعیت‌ها در قالب فعل یا ترک امور و به شکل قانون یا فرمان حکومتی عرضه می‌شوند. در نظر برخی از اندیشمندان مسئله اصلی در بحث از الزام سیاسی عضویت در جامعه سیاسی و لزوم پیروی از فرامین حکومت مطرح است (امیدی، ۱۳۸۸: ۷-۱۰).

### الزامات سیاسی تمدن نوین اسلامی

مقام معظم رهبری به‌عنوان نظریه‌پرداز تمدن نوین اسلامی الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی را به دو دسته الزامات حقیقی و الزامات ابزاری تقسیم‌بندی می‌نماید. از دیدگاه معظم‌له یکی از الزامات تحقق تمدن اسلامی توجه به بخش حقیقی تمدن اسلامی است. براین‌اساس، از جمله مؤلفه مهم بخش حقیقی تمدن اسلامی که همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری است و آن را مهم‌ترین بخش زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی می‌داند سبک زندگی اسلامی است.

معظم‌له در این باره می‌فرماید:

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج ... رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی ... رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه ... بخش ابزاری، یا سخت‌افزاری این تمدن موضوعاتی است که در فضای امروز، به‌عنوان نموده‌های پیشرفت مطرح می‌شود از قبیل: علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و نظایر آن ... (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>).

باتوجه‌به فرمایشات مقام معظم رهبری، الزامات سیاسی تمدن نوین اسلامی نیز به دو بخش الزامات ابزاری و حقیقی تقسیم‌بندی می‌شود، باتوجه‌به اشاره ایشان به «رفتار ما در فعالیت سیاسی ...». در بخش الزامات حقیقی تمدن نوین اسلامی می‌توان الزاماتی از جمله تقوای سیاسی، فرهنگ سیاسی، اهرم‌های کنترلی درونی قدر، کاربست‌های اجتماعی قدرت و ... را به‌عنوان الزامات سیاسی حقیقی برشمرد؛ همچنین در بخش الزامات ابزاری نیز رهبر انقلاب با اشاره مستقیم به مسئله

سیاست و اقتدار سیاسی و نظامی، بخش الزامات ابزاری سیاسی را مطرح نموده‌اند که به دلیل گستردگی مطالب در این پژوهش صرفاً بخشی از الزامات ابزاری سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## الزامات ابزاری

هرچند با توجه به جدید بودن موضوع تاکنون محققان و پژوهشگران در این حوزه نتوانسته‌اند تعریف واحدی از الزامات موردنیاز جهت تحقق تمدن نوین اسلامی ارائه نمایند؛ اما رهبر معظم انقلاب در یک تقسیم‌بندی منظور خود را از الزامات ابزاری بدین‌گونه تبیین نموده و می‌فرماید:

آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه سیاست، هم در زمینه مسائل علمی، هم در زمینه مسائل اجتماعی، هم در زمینه اختراعات (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>).

لذا برای ساخت تمدن نوین اسلامی و رسیدن به آنچه که مدنظر معظم‌له است، می‌بایست اقداماتی در این زمینه‌ها صورت پذیرد و یا اگر اقدامات ناقصی در این زمینه‌ها صورت گرفته جهت تکمیل آنها و برطرف نمودن مشکلات در این زمینه‌ها اقدام گردد؛ بنابراین بدون دستیابی به ابزارهای موردنظر معظم‌له هدف موردنظر محقق نخواهد شد. براین‌اساس در ادامه پژوهش حاضر به الزامات ابزاری در حوزه سیاسی تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری می‌پردازیم:

### ۱. ساخت قدرت

ساخت قدرت از جمله اساسی‌ترین ابزارهای تحقق تمدن نوین اسلامی است. ازاین‌جهت که بیان گردید انقلاب اسلامی ادامه همان حرکت پیامبر مکرم ﷺ اسلام در آغاز دین مبین اسلام است، می‌توان با بهره‌گیری و الگوبرداری از سیره نبی اکرم ﷺ به ارتباط ساخت قدرت و پیوند آن با الزامات سیاسی تحقق تمدن نوین اسلامی پی برد. بدین‌گونه که مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

اگر بخواهیم این معارف در فضای عقیدتی جامعه به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، بخواهیم این ارزش‌ها در عمل مردم، در رفتار مردم خودش را نشان بدهد، بخواهیم این

احکام که وسیله پیشرفت و حرکت است، تحقق پیدا کند، احتیاج به قدرت سیاسی دارد؛ اگر قدرت سیاسی نباشد، قلدرها زیر بار نمی‌روند، تنبل‌ها انجام نمی‌دهند، سیاهی‌لشکر قلدرها و مستکبرین و پول‌دارها به دنبال آنها حرکت می‌کنند، یعنی آن مقصود نبوت‌ها حاصل نمی‌شود؛ لذا در قرآن می‌فرماید که «ما أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» این مربوط به پیغمبر ما فقط نیست، مربوط به همه پیغمبران است؛ اینها باید بیایند در کشور مورد اطاعت قرار بگیرند، مردم از اینها اطاعت نکنند؛ لذا وقتی که از یثرب آمدند برای اینکه پیغمبر اکرم را دعوت کنند و اصرار کنند که ایشان به مدینه هجرت کنند، همان جا حضرت با اینها بیعت کرد (بیانات در ارتباط تصویری با مردم، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45227>؛ ۱۳۹۹/۰۱/۰۳)

براین اساس می‌توان این‌گونه بیان کرد که در اندیشه مقام معظم رهبری ایجاد و تشکیل قدرت به‌عنوان هدف مطرح نمی‌باشد بلکه، قدرت به‌عنوان ابزاری در جهت تحقق اهداف دیگر (تمدن نوین اسلامی) مطرح می‌گردد.

ساخت قدرت در اندیشه مقام معظم رهبری بر اساس الگوی دینی است و از این جهت ایدئولوژی اسلامی در اندیشه ایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که ایشان در این باره می‌فرمایند:

هیچ ملتی که داعیه‌ی تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمیتواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمیتواند تمدن‌سازی کند. همین هائی که امروز شما ملاحظه میکنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، اینها با ایدئولوژی وارد شدند؛ صریح هم گفتند؛ گفتند ما کمونیستیم، گفتند ما کاپیتالیستیم، گفتند ما به اقتصاد سرمایه‌داری اعتقاد داریم؛ مطرح کردند، به آن اعتقاد ورزیدند، دنبالش کار کردند؛ البته زحماتی هم متحمل شدند، هزینه‌ای هم بر دوش آنها گذاشته شد. بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان، و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>؛ ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

امام خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند: «حکومت اسلامی به معنای حکومت مسلمین نیست به معنای حکومت اسلام است آن چیزی که مصونیت می‌بخشد جامعه اسلامی را آن حکومت اسلامی است؛ یعنی حاکمیت اسلام». معظم‌له در ۶ اسفند ۱۳۸۸ می‌فرمایند: «اساس نظام اسلامی اطاعت از خداوند است» همچنین در ۱۹ مهر ۱۳۵۳ نیز می‌فرمایند: «جامعه اسلامی

یعنی آن جامعه‌ای آن تمدنی که در رأس آن جامعه خداوند حکومت می‌کند قوانین آن جامعه قوانین خدایی است که حدود الهی در آن جامعه جاری می‌شود ازل و نصب را خداوند می‌کند. با همین نگاه است که ایشان معتقدند همه راه‌های اصلی نظام به مرکز ولایت با نقطه درخشان نظام اسلامی ختم می‌شود.

## ۲. پیوند دین و سیاست

از این جهت که یکی از الزامات سیاسی تحقق تمدن نوین اسلامی استفاده از ابزارها و امکانات موجود است می‌بایست برای تحقق این هدف از دین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی بهره برد هرچند که هدف کلی تمدن نوین اسلامی پیاده‌سازی دین مبین اسلام در همه سطوح جامعه است. بر همین اساس رهبر کبیر انقلاب اسلامی سیاست را به‌عنوان تدبیری در جهت هدایت جامعه به سمت رستگاری بیان می‌کنند. در واقع دین مبین اسلام هدفی است که برای رسیدن و پیاده‌شدن در جامعه دارای برنامه و راهبرد است. همچنان که پیامبر اسلام برای پیاده‌سازی دین مبین اسلام بر اساس آنچه که خداوند متعال دستور داده بودند حکومت تشکیل دادند و از جایگاه رهبر حکومت اسلامی برای پادشاهان دیگر کشورها در راستای دعوت به اسلام نامه نوشتند. از این رو در اندیشه اسلامی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی، دین و سیاست دارای رابطه به‌هم‌پیوسته و ناگسستنی هستند و بسیاری از اندیشمندان اسلامی معتقدند که دین اسلام صرفاً به حوزه انجام امورات عبادی در حوزه فردی باز نمی‌گردد؛ بلکه دین اسلام به دلیل جامعیت در تمامی حوزه‌های فردی و اجتماعی برای بشر دارای برنامه و راهکار است و بر این اساس شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بدون توجه به سیاست امکان‌پذیر نخواهد بود. در این زمینه مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

یکی مسئله ایجاد جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکر اسلام سیاسی؛ یک عده‌ای از قرن‌ها پیش، سعی کردند اسلام را از زندگی، از سیاست، از مدیریت جامعه هر چه می‌توانند دور کنند و منحصرش کنند به مسائل شخصی؛ مسائل شخصی را هم بپوش بپوش محدود کنند به مسائل قبرستان و مجلس عقد و از این حرف‌ها؛ نه، اسلام آمده است که «أَلَا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (النساء: ۶۴). فقط هم اسلام نیست؛ همه پیغمبران همین جورند. ادیان الهی آمده‌اند برای اینکه در جامعه پیاده بشوند، در جامعه تحقق واقعی پیدا کنند؛

این باید اتفاق بیفتد. یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها این است (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30255>).

همچنین در اندیشه رهبر معظم انقلاب در درجه اول، نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. معظم‌له نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند سبحان و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کنند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است و ما باید به تعیین هدفی بپردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم. ایشان معتقدند که بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود.

اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>).

«ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24721>).

### ۳. تفکیک و توازن بخشی به مسئولیت‌ها

از دیگر الزامات دستیابی به تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تفکیک و توازن بخشی به مسئولیت‌ها است. به‌عنوان مثال در زمینه مبارزه با فساد اولین مطلبی که مطرح‌شدن این قضیه به ذهن متبادر می‌شود این است که صرفاً قوه قضائیه می‌بایست در این زمینه اقدام کنند در صورتی که معظم‌له در زمینه مبارزه با فساد معتقدند که صرفاً قوه قضائیه مسئولیت ندارد. ایشان ضمن تبیین نقش و وظیفه دستگاه‌های گوناگون خصوصاً قوای سه‌گانه در این زمینه می‌فرمایند:

مبارزه با فساد اولاً پیشگیری است، بعد درمان است؛ قبلاً بایستی زمینه‌های فساد را از بین ببریم، بعد هم اگر فساد به وجود آمد، بایستی درمان کنیم. بنابراین، همه قوای کشور در این زمینه [مسئول‌اند]؛ مخصوص قوه قضائیه نیست؛ قوه مجریه، قوه مقننه، همه این‌ها بایستی در این زمینه احساس مسئولیت کنند (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۸/۰۷/۰۴؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43591>).

از سویی دیگر و از آنجاکه در حکومت اسلامی مردم نیز در حوزه اداره کشور در زمینه‌های مختلف دارای نقش هستند معظم‌له در این زمینه بیان می‌دارند علاوه بر افرادی که در حکومت اسلامی دارای مناصب حکومتی هستند که می‌بایست به وظایف خود به نحو احسن عمل نمایند مردم نیز می‌بایست باتوجه به تکالیفی که برعهده آنان قرار می‌گیرد به نحو شایسته عمل نموده و ایفای نقش نمایند (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱؛ [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42410)

#### ۴. مردم‌سالاری دینی و مشارکت سیاسی

از مردم‌سالاری دینی می‌توان به‌عنوان دیگر الزامات سیاسی تحقق تمدن نوین اسلامی نام برد بدین دلیل که در سیاست دینی و اسلامی از مردم به‌عنوان یکی از ارکان حکومت اسلامی یاد می‌شود. هرچند نقش مردم در حوزه مقبولیت نسبت به نظام حاکم باز می‌گردد و در حوزه مشروعیت فاقد اعتبار است. براین‌اساس در نگاه امام خامنه‌ای رابطه مردم و نظام اسلامی یک رابطه دوسویه است؛ از یک سو، «پشتیبانی دل‌ها و احساسات مردم از مسئولان، پشتوانه حرکت آن‌هاست» (بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3366>). و آن را قوام نظام جمهوری اسلامی بیان می‌کنند و از سوی دیگر بنای جمهوری اسلامی را بر اعتماد کردن به مردم و اعتقاد نظام اسلامی به مشارکت مردم می‌دانند و در این زمینه می‌فرمایند:

مهم‌ترین کار اصولی که انقلاب کرده است تبدیل نظام طاغوت سالار به نظام مردم‌سالار است این مهم‌ترین کاری است که انقلاب کرده است آن هم با الهام از تعالیم اسلامی، نظام الهی در مقابل نظام طاغوت است و جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی نظام الهی را معنا کرد مردم‌سالاری دینی یعنی مردم اصل‌اند، اصل مردم‌اند نه فقط در تعیین حاکم، مردم‌سالاری دینی یعنی مردم در همه امور زندگی صاحب رأی و

صاحب تدبیر و صاحب تصمیم قرار دارند (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی،  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38975>؛ ۱۳۹۶/۱۱/۲۹).

امام خامنه‌ای بحث مردم‌سالاری دینی را در چارچوب نظام سیاسی اسلام مطرح می‌کنند و بر این باورند که مردم‌سالاری دینی مفهوم مرکب از دو جزء مردم‌سالاری و دینی نیست؛ بلکه حقیقت واحد درون دینی است که فقط در چارچوب مسائل دینی قابل تعریف است. معظم‌له در این باره چنین بیان می‌دارند: مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست؛ بلکه یک حقیقت واحد و جاری در جوهره نظام اسلامی است؛ چراکه اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند بدون مردم نمی‌شود ضمن آنکه تحقق مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست (همان).

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۱ مرداد ۱۳۸۰ می‌فرمایند:

در نظام اسلامی یعنی مردم‌سالاری دینی مردم انتخاب می‌کنند تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره کشور را به‌وسیله منتخبان خودشان را در اختیار دارند؛ اما این خواست و اراده مردم در سایه هدایت الهی است و هرگز به بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی‌برد و اثرات مستقیم خارج نمی‌شود نکته اصلی در مردم‌سالاری دینی این است (بیانات در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری، ۱۳۸۰/۰۵/۱۱؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3076>).

## ۵. وحدت و انسجام

همان گونه که درگذشته نیز بدان اشاره شد باتوجه‌به اینکه دین مبین اسلام برای همه ابعاد زندگی بشر از جمله حوزه سیاست دارای برنامه است می‌توان با بهره‌گیری از آیه شریف «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا» وحدت و انسجام را به‌عنوان یکی از الزامات سیاسی جهت‌دستیابی به تمدن نوین اسلامی نام برد. دینی بودن سیاست در اندیشه و نگاه رهبر انقلاب، وحدت دارای مراتبی است پایین‌ترین مرتبه از نظر معظم‌له تعرض نکردن دولت‌ها و اقوام و مذاهب علیه یکدیگر است و بالاترین مرتبه در نظر ایشان وحدت و انسجام و هم‌افزایی در حوزه‌های گوناگون است. در اندیشه مقام معظم رهبری که در صورتی که بالاترین مرتبه آن موردتوجه قرار گیرد منجر به حل مشکلات در سطح منطقه غرب آسیا خواهد شد. علاوه بر این نظر ایشان بر این امر مبتنی است که برهم‌زنندگان و وحدت‌شکنان دچار گناه کبیره می‌شوند:

اتحاد دنیای اسلام مراتبی دارد؛ پایین‌ترین مرتبه‌اش این است که جوامع اسلامی، کشورهای اسلامی، دولت‌های اسلامی، اقوام اسلامی، مذاهب اسلامی، علیه هم دست به تعرض نزنند، با هم معارضة نکنند، به یکدیگر ضربه نزنند؛ این قدم اول است. البته بالاتر از این، این است که دنیای اسلام علاوه بر اینکه به یکدیگر ضربه نمی‌زنند، در مقابل دشمن مشترک هم دست‌به‌دست هم بدهند، اتحاد واقعی و کافی داشته باشند، از یکدیگر دفاع کنند. این هم یک قدم بالاتر است؛ از این بالاتر هم این است که کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی هم‌افزایی کنند. کشورهای اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ ثروت، از لحاظ امنیت، از لحاظ قدرت سیاسی در یک سطح نیستند، می‌توانند به یکدیگر کمک کنند، هم‌افزایی کنند، آن‌هایی که بالاترند در هر بخشی، دست آن کسانی را که پایین‌تر هستند بگیرند؛ این هم یک مرحله‌ای از وحدت است. مرحله بالاتر هم این است که همه دنیای اسلام متحد بشوند در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی. این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی، منتها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلام. اینها مراتب وحدت است (دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44016>؛ ۱۳۹۸/۰۸/۲۴).

## ۶. قانون (قانون‌گذاری، نظام حقوقی)

قانون و قانون‌گذاری از دیگر الزامات سیاسی تحقق تمدن نوین اسلامی است بدین دلیل که بدون وجود قانون و نظام حقوقی دستیابی به چنین امری ممکن نخواهد بود. در بعد قانون‌گرایی و قانون‌گذاری، مقام معظم رهبری اهمیت کشور را به نحوه تنظیم قوانین کشور مربوط می‌داند و می‌فرماید: «اهمیت کشور به تنظیم قوانین این کشور است» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۱۲/۱۸؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19232>).

در نگاه معظم‌له همه ابعاد فردی و اجتماعی می‌بایست به قانون عمل نمود؛ چراکه در اندیشه معظم‌له ملاک عمل قرارگرفتن قانون در همه قضایا منجر به تأمین عدالت خواهد شد. در همه قضایا قضایای فردی، قضایای اجتماعی اگر قانون ملاک عمل باشد، عدالت تأمین می‌شود (بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۸۸/۰۴/۰۷؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7276>).

ایشان معتقدند باتوجه‌به این که وجود اختلاف‌نظر امری بدیهی است، قانون‌گرایی و عمل به قانون را راه‌حل از بین‌رفتن اختلافات در هر سطحی می‌دانند و در این زمینه می‌فرمایند:

درباره اختلاف نظرهایی که بین شوراهای نظارت و شورای مرکزی نظارت و وزارت کشور وجود دارد همیشه این اختلاف نظرها وجود داشته بنده توصیه‌ام به طرفین همیشه این بوده و هست که ملاک را قانون قرار دهند؛ چون آن چیزی که می‌تواند خطاً شاخص باشد و از هرج و مرج ناشی از اختلاف نظر مانع شود، قانون است (بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۸۲/۱۰/۲۴؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3216>).

## ۷. آزادی سیاسی

رهبر معظم انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه آزادی سیاسی را تبیین می‌نمایند به نحوه ازبین‌بردن آزادی در ملت‌ها نیز اشاره می‌کنند و معتقدند که در زمان‌های مختلف نظام سلطه با بهره‌گیری از ابزارها و راهکارهای گوناگون در صدد ازبین‌بردن آزادی ملت‌ها بوده است. براین اساس بدون وجود تضارب آرا و درواقع بدون وجود نظرات موافق و مخالف پیشرفتی در زمینه دستیابی به تمدن نوین اسلامی محقق نخواهد شد. به‌عنوان مثال می‌توان از جمله دلایل پیشرفت‌های فقه شیعی را نسبت به سایر فرق دین مبین اسلام را وجود تضارب آرا و آزادی‌های موجود در زمینه بیان فتاوا دانست و با بهره‌گیری و الگوگیری از این نوع آزادی‌ها بیان داشت که دستیابی به تمدن نوین اسلامی بدون وجود آزادی سیاسی به‌عنوان یکی از الزامات سیاسی محقق نخواهد شد.

مهم‌ترین نوع آزادی ملت‌ها، آزادی عمومی کشور است؛ یعنی استقلال. یک‌وقت دیگر بنده گفتم که استقلال یعنی آزادی یک ملت؛ وقتی ما از استقلال حرف می‌زنیم، یعنی از آزادی یک ملت حرف می‌زنیم که آزادانه بتواند کار خودش را انجام بدهد. نظام سلطه ضدّ این آزادی است؛ یک روز با استعمار، یک روز با استعمار نو، یک روز با شیوه‌های امروز که شیوه‌های جنگ نرم است پدر ملت‌ها را دارند درمی‌آورند؛ البته هر جا لازم باشد با نیروی نظامی وارد می‌شوند و هیچ ابایی هم نمی‌کنند (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۸/۰۹/۰۶؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44267>).

## ۸. اقتدار

اقتدار توان نفوذ و هدایت اراده، تصمیم و عملکرد دیگران با رضایت و میل قلبی آنهاست. یکی از الزامات پیدایش و پایداری هر تمدنی برخورداری از اقتدار لازم و کافی است. حقانیت به‌تنهایی برای تمدن‌زایی کفایت نمی‌کند به همین دلیل در طول تاریخ تمدن‌ها و نظام‌های باطل زیادی پا

به عرصه وجود گذاشتند. آنچه اهمیت دارد مقبولیت عام در نزد ملت‌هاست در غیر این صورت امکان پایه‌ریزی تمدن وجود ندارد و برای تأسیس و تداوم تمدن نیاز به اقتدار است که نوعی مقبولیت عامه در آن نهفته است (تلاشان، ۱۳۹۹: ۹۴).

اقتدار با مفهوم قدرت و نفوذ، پیوندی تنگاتنگ دارد. اقتدار را قدرت مبتنی بر رضایت تلقی کرده‌اند. نفوذ رهبران سیاسی زمانی بر حق دانسته می‌شود که به‌سوی اقتدار معطوف گردد. درس سیستم‌های سیاسی همیشه سعی رهبران بر آن است که نفوذهای خود را به‌صورت اقتدار درآورند؛ زیرا حکومت‌کردن به کمک اقتدار به‌مراتب باصرفه‌تر از حکومت‌کردن به‌وسیله اجبار است (عالم، ۱۳۷۵: ۱۰۰).

## ۹. نهضت نرم‌افزاری

الف: تولید فکر و نظریه

از این جهت که پیشرفت‌ها در زمینه‌های مختلف با صرف تقلید و تبعیت از نظریه‌ها و افکار گذشته صورت نمی‌گیرد می‌بایست جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی از چارچوب‌های موجود در عرصه نظریه‌پردازی فراتر رفت و با تولید نظریات جدید در حوزه‌های گوناگون از جمله حوزه سیاست تلاش نمود. در این زمینه تولید فکر و نظریه را می‌توان از دیگر الزامات سیاسی در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی نام برد. مقام معظم رهبری نسبت به تولید فکر و نظریه‌پردازی معتقدند، هرچند در بعضی از زمینه‌های نظریه‌پردازی دارای عقب‌ماندگی‌هایی هستیم؛ اما در بعضی از موارد نیز دارای پیشرفت‌هایی نیز بوده‌ایم. ایشان در این باره بیان می‌دارند: «باید بدانیم در حوزه نظریه‌پردازی، کجا جلویم، کجا عقبیم. یک‌جایی واقعاً ما جلو هستیم، در یک مواردی هم واقعاً عقبیم» (بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453>).

همچنین معظم‌له آرمان نظریه‌پردازی را در اسلام دستیابی به نظریه اسلامی در حوزه عدالت بیان می‌کنند و معتقدند که نباید چنین برداشت نمود که از قبل در باب تولید نظریه یک هدفی مشخص شده و در صدد رسیدن به آن هستیم؛ بلکه ایشان اندیشمندان در این حوزه را به تضارب آرا دعوت می‌کنند و از این تضارب آرا به‌عنوان نشاط علمی یاد می‌کنند.

در مرحله نظری، آنچه که ما می‌خواهیم به آن برسیم، رسیدن به نظریه اسلامی ناب در باب عدالت است. البته باید با نگاه متجددانه، با نگاه نوآورانه، به منابع اسلامی مراجعه کرد و آن نظریه را از متن منابع اسلامی در چهارچوب‌های علمی و فنی خودش که بعضی از دوستان اشاره کردند استخراج کرد. ما برای استنباط، شیوه‌ها، متدها و روش‌های علمی تجربه‌شده کاملاً حساب‌شده‌ای داریم؛ از اینها باید استفاده شود.

در عرصه تفکر و نظریه‌پردازی، ما احتیاج داریم به تعدد آرا و تضارب آرا. یعنی اینکه ما می‌گوییم به یک نظریه باید برسیم و نظریه ناب اسلامی را کشف کنیم، مبتنی بر یک مقدمات نسبتاً طولانی و گسترده‌ای است که اهم این مقدمات همین است که آرا متفکران تضارب پیدا کند، آرا مختلفی مطرح شود و این لازم است؛ این نشاط علمی است. نباید تصور کرد که ما یک پیش‌داوری‌ای داریم، یک چیزی را از قبل در نظر گرفته‌ایم و می‌خواهیم حتماً به آن برسید (بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453>؛ ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

ایشان در باب تولید نظریه در مباحث علوم‌انسانی بیان می‌کنند که نظریات علوم‌انسانی در بسیاری از موارد باعث شکل‌گیری جریان‌های اقتصادی و سیاسی می‌شود براین‌اساس باتوجه‌به اینکه ایشان معتقدند علوم‌انسانی هوای تنفسی مجموعه‌های نخبگی کشور است، الگو گرفتن از نظریات غربی را برای کشور اشتباه و خطرناک قلمداد نموده و در این زمینه بیان می‌دارند:

به فکر نظریه‌سازی باشید. الگو گرفتن بی‌قیدوشرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه علوم‌انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم‌انسانی است (دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های شیراز، ۸۷/۲/۱۴؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3431>).

ب: نهضت تولید علم و فناوری

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. روش‌شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان، اجتهاد به

معنای مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. به اعتقاد ایشان دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل فروگذار نمی‌کند و بنابراین، باید ترفندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به‌وسیله مسلمانان است. تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است (بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹؛ 3053، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3053>).

به اعتقاد ایشان، ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هرگونه ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد. اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها گردید. تأکید رهبر معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. بر عکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. مثال گویای سوءاستفاده از علم، استفاده غیرانسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالای هسته‌ای در قتل عام مردم بی‌گناه هیروشیما و ناکازاکی است (بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). آموزه‌های دینی هم علم همراه با معنویت را «العلم سلطان» توصیف می‌کند (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰: ۳۱۹).

طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در واقع ارائه محصول انقلاب اسلامی و طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام است؛ بنابراین افق کار باید بلندمدت و همراه با افزایش عمق دیده شود (دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴؛ <https://www.leader.ir/fa/content/10408/www.leader.ir>).

## ۱۰. مسئولیت‌پذیری جوانان

مقام معظم رهبری وظیفه اصلی به ثمر رسیدن تمدن نوین اسلامی را بر عهده جوانان تربیت‌یافته در نظام اسلامی بیان می‌کنند و معتقدند در صورتی که جوانان با امید به آینده مسئولیت‌های نظام اسلامی را برعهده بگیرند می‌توانند فاصله میان واقعیت‌ها و آرمان‌ها را کم کرده و موفق به دستیابی

به اهداف انقلاب اسلامی خواهند شد که در این زمینه جوانان را به بهره‌گیری از تجارب گذشته فراخوانده و بیان می‌نمایند: در صورتی که از تجارب گذشته مورد غفلت قرار گیرید انقلاب اسلامی با تهدیدات ناشناخته‌ای مواجه خواهد شد. ایشان در این باره می‌فرمایند:

بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتهای، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافه) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. اما راه طی‌شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازد (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

## ۱۱. مردم‌داری، مردم‌یاری

در اندیشه مقام معظم رهبری با توجه به اینکه انقلاب اسلامی یک انقلاب مردمی و برخاسته از بطن مردم است، جایگاه مردم در نظام اسلامی جایگاه بسیار والایی است تا جایی که ایشان از مردم با عنوان ولی‌نمندان نظام اسلامی یاد می‌کنند. براین اساس مسئولین می‌بایست در برخورد با مردم و حل‌وفصل مشکلات آحاد جامعه می‌بایست به نحو احسن رفتار نمایند بر همین اساس مقام معظم رهبری در این مورد بیان می‌دارند: مردم‌دوست، مردم‌پذیر و مردمی رفتار باشید و از فخرفروشی،

دنیاطلبی و اشرافی‌گری جداً پرهیز کنید، زیرا سپاه از ابتدای تشکیل، مردمی بوده است (بیانات در جمع فرماندهان سپاه، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43632>).

همچنین معظم‌له در مورد به توجه مسئولین نسبت به حل مشکلات مردم خصوصاً مشکلات اقتصادی در زمان فعلی می‌فرمایند: «البته وضع زندگی و معیشت مردم سخت است؛ ولی اگر حرکتی قوی و پیگیر و مجاهدانه انجام گیرد، قطعاً به تدریج وضع معیشتی مردم نیز بهبود خواهد یافت» (همان، ۱۳۹۸/۷/۱۰).

## ۱۲. ایجاد الگو

مقام معظم رهبری در زمینه الگو شدن انقلاب اسلامی برای جهانیان معتقدند که انقلاب اسلامی با شکل‌دهی و ایجاد قطب سوم در دنیا یک الگویی در برابر جهانیان به نمایش گذاشته است که دقیقاً بر پایه همان چیزی توانسته این ضلع را به وجود بیاورد که دو ضلع دیگر در صدد نفی آن از زندگی اجتماعی بشر بودند؛ یعنی دین؛ بنابراین با شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بر اساس مبانی دینی این تمدن می‌تواند برای سایر کشورهای جهان به‌عنوان الگویی مدنظر قرار گیرد. ایشان در این باره می‌فرمایند:

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و رقابت دو ابرقدرت برای تسری الگوی خود به‌عنوان الگوی برتر رشد و توسعه برای سایر ملل در جریان بود تا از این طریق بتوانند در کشورهای غیر توسعه‌یافته نفوذ خود را افزایش داده و آنها را به استعمار بکشند، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست، کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. عصری که نوید از تولد شیوه‌ای نوین از حکمرانی بر حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی بشر باتکیه بر معارف اسلام ناب را می‌داد (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).

## ۱۳. گفتمان‌سازی

مقام معظم رهبری با توجه به وجود ابزارها و نهاد مختلف برای ایجاد شکل‌دهی به افکار عمومی و ایجاد گفتمان، بیان می‌نمایند در صورتی که یک مسئله‌ای به مطالبه عمومی و یا گفتمان تبدیل گردد اولاً باعث نزدیک شدن سیاست‌ها در عرصه عملی به این جریان خواهد شد و ثانیاً اگر چیزی

به گفتمان تبدیل شد با عوض شدن دولت‌ها و اشخاص به فراموشی سپرده نخواهد شد و افراد بعدی موظف به پیگیری آن هستند. ایشان در زمینه گفتمان‌سازی بیان می‌دارند:

وقتی شما در مورد یک عنوانی از این عناوین مهمّ اساسی انقلاب به یک نتیجه‌ای رسیدید، این را باید تبدیل بکنید به گفتمان؛ [مثلاً] در نشریه منتشر بکنید. شما جمعیت زیادی هستید؛ عدد کثیری از آقایان، ائمه جمعه هستند یا شخصیت‌های برجسته استان‌ها هستند یا در مرکز هستند، دارای منبر هستند، می‌توانند با مردم حرف بزنند و مخاطب قرار بدهند مردم را؛ تکرار بکنید، بگویید، تا گفتمان بشود. گفتمان یعنی آن فکر رایج بین مردم، مطالبه عمومی مردم. وقتی یک چیزی مطالبه عمومی شد و گفتمان شد، به طور طبیعی به عمل نزدیک خواهد شد (دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری با رهبر انقلاب، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37721>؛ ۱۳۹۶/۰۶/۳۰).

### نتیجه:

الزامات سیاسی تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری را می‌توان به دو بخش الزامات ابزاری و حقیقی تقسیم‌بندی نمود که هرکدام در اندیشه مقام معظم رهبری دارای ویژگی‌هایی است که در پژوهش حاضر صرفاً الزامات سیاسی ابزاری مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، از الزامات ابزاری می‌توان به‌عنوان ابزارهای سخت‌افزاری چون: ساخت قدرت؛ پیوند دین و سیاست؛ قانون؛ نهضت نرم‌افزاری؛ اقتدار سیاسی؛ گفتمان‌سازی؛ ایجاد الگو؛ مردم‌سالاری دینی و مشارکت سیاسی؛ وحدت و انسجام؛ تفکیک و توازن بخشی به قوا و ... جهت تحقق تمدن نوین اسلامی نام برد.

از مباحث مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به نشانه‌های افول تمدن غربی، شکل-گیری تحقق تمدن نوین اسلامی به‌عنوان جایگزین تمدن غربی از نظر مقام معظم رهبری امری محتمل و مطلوب است که جهت تحقق و شکل‌گیری آن می‌بایست اقداماتی در حوزه‌های گوناگون از جمله شکل‌گیری دولت اسلامی بر اساس اندیشه معظم‌له صورت پذیرد. راه‌حل دستیابی به این هدف، نصب العین قرارگرفتن منویات معظم‌له برای مسئولان دولت و نظام اسلامی امری واجب به نظر می‌رسد و در صورتی هدف موردنظر محقق خواهد شد که منویات معظم‌له در این خصوص در عرصه عمل مورد توجه قرار گرفته و پیاده‌سازی گردد.

## فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم.
- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تهران: مرکز نشر کتاب.
- بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.
- مدرس، سید محمدتقی (۱۳۷۹)، اصول و پایه‌های تمدن اسلامی، ترجمه محمداصداق پارسا، تهران: محبان الحسین علیه السلام.
- برزگر، مرتضی (۱۳۹۰)، ویژگی تمدن نوین اسلام، قم: معارف.
- درخشه، جلال (۱۳۹۰)، آفاق تمدنی انقلاب اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- تاجبخش، احمد (۱۳۸۱)، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه، شیراز: نوید شیراز.
- میکل، آندره (۱۳۸۱)، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، تهران: سمت.
- عمید، حسن (۱۳۷۱)، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
- محمدی، ذکر الله (۱۳۷۳)، نقش فرهنگ و تمدن در بیداری غرب، بی‌جا: دانشگاه امام خمینی علیه السلام.
- قربانی، زین‌العابدین (بی‌تا)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، بی‌جا: نشر فرهنگ اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، بی‌جا: نشر فرهنگ اسلامی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴)، نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: بی‌نا.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱)، لغت‌نامه دهخدا، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- حجازی، فخرالدین (بی‌تا)، نقش پیامبران در تمدن انسان، بی‌جا: بعثت.
- مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی (۱۳۷۳)، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۵۷)، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- امید، مسعود (۱۳۸۴)، فرهنگ اصطلاحات تخصصی محمدتقی جعفری، تبریز: یاس نبی.
- و. و بار تولد (۱۳۳۷)، فرهنگ و تمدن مسلمانان، ترجمه علی‌اکبر دیانت، تبریز: ابن‌سینا.
- ویل دورانت (۱۳۶۸)، تاریخ تمدن: مشرق‌زمین، گهواره تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی و دیگران، تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

- جهان‌بین، فرزاد و معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۳)، *فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، زمستان، شماره ۳۹.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، *مفهوم سیاست در مکتب رضوی*، فصلنامه فرهنگ رضوی، سال اول، شماره سوم.
- جمشیدی‌راد، محمدصادق و ادیب، محسن (۱۳۹۸)، *الزامات و بایسته‌های تحقق تمدن نوین اسلامی بر مبنای سیره سیاسی پیامبر، سیاست متعالیه: بهار ۱۳۹۸*، شماره ۲۴.
- تالشان، حسن (۱۳۹۹)، *گزارش طرح پژوهشی الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی (با تأکید بر نقش سپاه)*.
- امیدی، مهدی (۱۳۹۰)، *تحلیل مفهوم مفاد و ماهیت توجیهی الزام سیاسی*، فصلنامه معرفت سیاسی، سال سوم، شماره اول بهار و تابستان.
- انوری، حسن (۱۳۸۳)، *فرهنگ روز سخن*، تهران: سخن.
- <https://farsi.khamenei.ir/speech>.